

تاریخ و اساطیر ایران باستان

(گفتارهایی از ایرانشناسان برجسته)

گردآورنده: دکتر بهزاد معینی سام



گنجینه ایران شناسی (۱)

تاریخ و اساطیر ایران باستان

(گفتارهایی از ایران شناسان برجسته)



ناشر ایران شناسی و جغرافیا

نشانی و تلفن: تهران. بالاتراز میدان ولیعصر. کوچه فرخی پلاک ۴۱ واحد ۷.

Www.avayekhavar.ir

info@avayekhavar.ir

Telegram & Tel: (+98) 930 554 0308

Tel: (+98) 21 888 956 21

تاریخ و اساطیر ایران باستان (مقتارهایی از ایرانشناسان برجسته)

گردآورنده: دکتر بهزاد معینی سام

ناشر: آوای خاور

طراح: مصطفی برزویی

طراح: سارا محمدی آوندی

چاپ: شهر

شمارگان: ۴۰۰ نسخه

چاپ نخست: ۱۴۰۱

قیمت: ۷۲۰۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-9923-20-5

حق چاپ محفوظ و متعلق به انتشارات آوای خاور است. هرگونه نسخه برداری اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری بدون مجوز کتبی ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل تعقیب است.

تاریخ و اساطیر ایران باستان

(گفتارهایی از ایران‌شناسان برجسته)

گردآورنده: دکتر بهزاد معینی سام

آوای خاور

تهران، ۱۴۰۰



سرشناسه	: معینی سام، بهزاد، ۱۳۴۴ -، گردآورنده، مترجم
عنوان و نام پدیدآور	: تاریخ و اساطیر ایران باستان (گفتارهایی از ایرانشناسان برجسته) / گردآورنده بهزاد معینی سام.
مشخصات نشر	: تهران: آوای خاور، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۴۴ ص.: مصور.
فروست	: گنجینه ایران شناسی؛ ۱.
شابک	: 978-600-9923-20-5
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتاب حاضر برگزیده‌ای از مقالات نشریه "Acta Iranica" می‌باشد.
یادداشت	: کتابنامه.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: ایران -- تاریخ -- پیش از اسلام
موضوع	: To 633 -- Iran -- History
موضوع	: اساطیر ایرانی -- تاریخ
موضوع	: Mythology, Iranian -- History
رده بندی کنگره	: DSR۱۴۰/م۶ ۱۳۹۸ ت ۲
رده بندی دیویی	: ۰۱/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۶۰۳۰۷۳

تقديم به همسر

سارا

فهرست مطالب

۱۱	 نخستین امپراتوری ایرانی ایرانی (آرنولد توین بی)
۱۸	 خدایان ایرانی در نقاشی‌های سغدی (گیتی آذرپی)
۳۴	 داریوش بزرگ و لشکرکشی‌اش بر ضد سکاها (جورج کامرون)
۵۱	 زردشت پیامبر صلح (مانفرد لورنتس)
۶۷	 ساختار دولت پارس (بوگدان شلادانک)
۷۸	 فیل مخلوقی اهریمنی و نماد قدرت و حاکمیت (احمد تفضلی)
۸۵	 نام کوروش (ویلهلم آیلرز)
۹۸	 نفوذ ایران بر متون عهد جدید (جان هینلز)
۱۱۸	 واژگان ایرانی در آرامی کهن (یوناس گرین‌فیلد)
۱۲۳	 دولت هخامنشی و تمدن جهانی (جی. وی. شرتلی)

مقدمه مترجم

مجموعه اکتا ایرانیکا (Acta Iranica)، یکی از نشریات در مورد مطالعات ایرانی است که به فرانسوی، انگلیسی و آلمانی منتشر می‌شود. از ویژگی‌های این نشریه آن است که ایران‌شناسان مطرح جهانی در باره تاریخ، فرهنگ و زبان‌های ایران باستان مقاله‌ارایه می‌دهند. دامنه این مقالات آنچنان وسیع است که برای ترجمه این کتب، مترجمانی مسلط به چند زبان و یا تلاش یک مؤسسه را می‌طلبد؛ چرا که این نویسندگان گهگاه در مقالات خود، عین مطلب مرجع را از زبان‌های گوناگون آورده‌اند. در نتیجه، گذشته از دانش زبانی، به دانش تاریخ سیاسی و دینی ایران نیز نیاز است. می‌توان گفت، بیشتر این مقالات درباره تاریخ و زبان‌های ایرانی باستان است، اما گهگاه نویسندگان به موضوعات فرهنگی و به ویژه ادیان و اساطیر ایران باستان پرداخته‌اند.

به این منظور ما در ترجمه برخی از این مقالات، موضوعاتی را برگزیدیم که دربرگیرنده تاریخ، زبان و ادیان ایران باستان است. البته این کتب به شرح نویسندگان و وقایع دوران ایران بعد از اسلام نیز پرداخته‌اند، اما همچنانکه گفته شد، نیاز به تلاش گسترده است.

نخستین امپراتوری ایرانی^۱

(آرنولد توین بی^۲)

۱. Arnold Toynbee: The First Iranian Empire. Acta Iranica. 1974. Vol 1. Premiere Serie. P 15

۲. مورخ و فیلسوف بریتانیایی در لندن (۱۸۸۹ - ۱۹۷۵)

نخستین امپراتوری ایرانی^۱

(آرنولد توین بی^۲)

تشکیل اولین امپراتوری ایرانی، رویدادی بسیار مهم در تاریخ ایران و در تاریخ جهان بوده است. این امپراتوری، تنها ابرقدرت جهانی در طی حیاتش بود و تأثیراتی که بعد از خود در زندگی انسان‌ها بر جای گذاشت، تا مدت‌ها پا بر جای ماند. امپراتوری هخامنشی، صرفاً پدیده‌ای مهم در تاریخ گذشته مردمان نبود، بلکه با آینده آنها نیز سر و کار دارد. امروزه که تکنولوژی، مسافت‌ها را از بین برده و سلاح‌های اتمی اختراع شده است، همه ملل جهان به نحوی در صدد اتحاد با یکدیگر هستند و البته به عکس نیز می‌توانند برای هم مخرب و خانمان‌سوز باشند. این اتحاد در یک مقیاس جهانی به همان اندازه که مشکل به دست می‌آید، ضروری و واجب نیز به نظر می‌رسد. دولت‌مردانی که در صدد یافتن الگو و راهنمایی هستند، این هدف را می‌توانند در امپراتوری‌های باستانی جستجو کنند که به دنبال وحدت جهانی بوده‌اند. اولین امپراتوری ایرانی، یکی از امپراتوری‌هایی است که به این امر نایل گردید. در نتیجه، تجربیاتش، الگویی شاخص و مهم در منافع و علایق بشر امروزی است.

اولین امپراتوری ایرانی به لحاظ وسعت، تجهیزات، سازماندهی و سیاستش، ارزشمند و درخور بررسی است. این امپراتوری، سه حوضه رودخانه‌ای را - دجله سفلی و فرات، نیل سفلی و سند - که زادگاه اولین تمدن‌ها بوده است، در بر می‌گیرد. این امپراتوری،

1 . Arnold Toynbee: The First Iranian Empire. Acta Iranica. 1974. Vol 1. Premiere Serie. P 15

۲ . مورخ و فیلسوف بریتانیایی در لندن (۱۸۸۹-۱۹۷۵)

شامل همه اقوام ایرانی زبان می‌شود که پیشرو و سازنده دولت ملی کنونی ایران شدند. شاهنشاهی ایران از ازبکستان و پنجاب امروزی تا بلغارستان و لیبی کنونی امتداد داشت و توانست بخشی از دنیای باستان و هند را نیز تحت سیطره خود در آورد.

پیش از اختراع تکنولوژی‌های امروزی، اولین مسأله همه سازندگان امپراتوری این بود که چگونه وسایل ارتباطی مناسب، برای نگهداری قلمروشان، ایجاد کنند. اولین شاهنشاهی ایرانی از امپراتوری روم در ساخت شبکه‌های جاده‌ای، مجهز به پاسگاه و تعویض اسبان تازه نفس، پیشی گرفت؛ به طوری که سرعت چارهای دولتی ایران، زباز بود و داریوش اول، مسافت‌های طولانی را در طی ۱۲ ماه طی می‌کرد، تا بتواند شورش‌های پراکنده‌ای را که در صد از بین بردن دست‌آوردهای بنیانگذار امپراتوری، کورش دوم (کبیر) بود، سرکوب نماید. در هر حال، در عصر پیش از ماشین، مسافرت از راه آب نسبت به خشکی، سریع‌تر و آسان‌تر بوده است و داریوش اول و پسرش خشایارشا در صد ایجاد راهی دریایی بوده‌اند. داریوش اول راهی آبی از رودخانه کابل در سفلی سند تا رأس خلیج فارس و دریای سرخ دایر کرد و محل ارتباط کانال سوئز با دلتای نیل را بازسازی کرد. خشایارشا، تلاش کرد تا شاهکار فنیقی‌ها که آفریقا را با کشتی دور زده بودند، تکرار نماید. هخامنشیان، مانند شاه عباس و دولت فعلی ایران، اهمیت بسیاری به حفظ امنیتی سواحل ایرانی و جزایر خلیج فارس می‌دادند.

دولت‌مردان اولین امپراتوری ایرانی در تأسیس وسایل رسانه‌ای دوربرد، پیش‌آهنگ بودند. فرمانروایان هخامنشی نه توانسته بودند حسن نیت و قلوب اکثریت اتباعشان را به دست بیاورند، و نه جاده‌ها و راه‌های آبی برای نگهداری امپراتوری‌شان موجود بود. آنها برای غلبه بر این موضوع، طرح آزادی سیاسی و تسامح مذهبی را به کار بردند و نسبت به کارهای ویرانگرانه و مخربی که امپراتوری پیش از هخامنشیان، یعنی آشوریان انجام می‌داد، مورد تمجید قرار می‌گیرند. حکومت اولین امپراتوری ایرانی، سخاوتمند بود و به بسیاری از دولت‌های محلی، خود مختاری داده بود (حتی به دولت-شهرهای فنیقی نیز دولت‌های کوچک واگذار شده بود) و آگاهانه تسامح کامل مذهبی را حفظ می‌کردند. مشخص نیست آیا هخامنشیان پیرو دین زردشت پیامبر بوده‌اند یا نه، اما قدر مسلم این است که آنها در صد تحمیل مذهب خودشان به کسی نبودند. در نتیجه، در دوره

هخامنشی و بعد از آن، آمیزش پرباری بین مذاهب محلی پدید آمد و متعاقب آن، دین زردشت تأثیر بسزایی بر یهودیت گذاشت؛ چراکه این آیین به زور رواج نیافت. اصول و منشاء دین زردشت و یهودیت و نیز مسیحیت و اسلام را می‌توان به بن‌مایه‌های مذهبی اولین امپراتوری ایرانی نسبت داد. دولت امپراتوری ایران به اتباع یهودیش، هرگز مجال مبارزه با خود را نداد؛ در صورتی‌که امپراتوری یونانی سلوکی که جانشین آنان شده بود، تنش عمده‌ای با یهودیان داشت و ۱۷۰ سال بعد، اولین امپراتوری ایرانی در اثر فاصله گرفتن از سیاست تسامح مذهبی، توسط اسکندر منقرض گردید.

البته، امپراتوری ایرانی در هماهنگ ساختن همهٔ اتباعش، موفقیتی کسب نکرد. بابلیان و مصریان نتوانستند گذشتهٔ باشکوهشان را فراموش کنند و دولت شهرهای یونانی نیز در برابر تابعیت دولت-شهرهایشان به یک دولت جهانی، مقاومت نشان دادند. در مقابل، مردم امپراتوری پیشین، یا مادهای ایرانی با پارسیان در اعمال قدرت همکاری کردند و فینیقیان نیز مانند ایرانیان، وقتی امپراتوری مورد یورش اسکندر مقدونی قرار گرفت، وفاداریشان را نشان دادند. صور، دولت-شهر فینیقی، مدتها مقاومت کرد و ملل ایرانی مناطق شمال شرق تهران امروزی، حتی بعد از اینکه امپراتوری ایرانی با مرگ آخرین شاه هخامنشی از میان رفت، مقاومت سرسختانه‌ای از خود نشان دادند.

شاهان هخامنشی، گزارش‌های رسمی از اعمال و اسامی ملل تحت حکومت‌شان ثبت کردند. طولانی و مفصل‌ترین این اسناد، کتیبهٔ مشهور داریوش اول بر صخرهٔ کوه بیستون است. گزارش‌های غیر رسمی از یهودیان و یونانیان نیز در مورد امپراتوری وجود دارد. گزارش‌های یونانیان، مفصل‌ترین است و شواهدشان در مورد ویژگی‌های امپراتوری متقاعدکننده است؛ چرا که یونانیان، جزء شاهدانی بودند که دشمن آنان محسوب می‌شدند. یونانیان از وفاداری اشرافیت ایرانی نسبت به خاندان سلطنتی و حس افتخاری که از این وفاداری حاصل می‌کردند، تأثیر پذیرفتند. اسکندر فاتح با تمجید از ارادهٔ ایرانیان بر آنان فائق آمد. اسکندر تا فتح امپراتوری پارس زنده ماند، اما طرحش برای حفظ امپراتوری با سازمان‌دهی مجدد آن، ناتمام ماند. بعد از مرگ ناگهانی اسکندر، امپراتوری که کوروش دوم بنیان نهاد و داریوش اول بر شالوده‌ای استوارتر بازسازی نمود، در میان فرماندهان اسکندر برای دستیابی به مرده ریگ او، از هم فرو پاشید.

سپس در طی هزار سال، خاور میانه از نظر سیاسی تجزیه گشت و دیگر یکپارچگی و آرامشی را که در زمان هخامنشیان از آن برخوردار بود، به دست نیاورد، تا اینکه سیاست‌های کوروش دوم و داریوش اول را اعراب مسلمان دوباره تکرار کردند.

امپراتوری هخامنشی از نظر تسلسل، اولین امپراتوری ایرانی بود. اشکانیان، یونانیان را از ترکمنستان تا آن‌سوی رودخانه فرات عقب راندند. ساسانیان، جانشین اشکانیان، که مانند هخامنشیان پارسی بودند، با شرایطی برابر با دولت روم مواجه شدند. دولت ساسانی؛ دومین امپراتوری ایرانی با هجوم تازیان به همان سرعتی که اولین امپراتوری با آن مواجه شده بود، سرنگون گردید. خلفای عباسی هم که تقریباً هم‌مرز با هخامنشیان بودند، امپراتوری ایرانی را با ظاهری عربی احیا کردند و سومین امپراتوری ایرانی را صفوی‌ها بنیان نهادند.

از این رو، نبوغ و هوش ایرانی، پی در پی خودش نمایان گشته است؛ در نتیجه، فروپاشی ناگهانی اولین و دومین امپراتوری ایرانی با ظهور غیرمنتظره سومین امپراتوری مرتبط بوده است. فراز و نشیب‌های گذشته سیاسی ایران، باعث بروز حوادث بزرگی در تاریخ دنیا شده، اما شایسته است تکرار کنیم که اولین امپراتوری ایرانی با آینده بشر نیز ارتباط دارد. اراده و روحیه شکیبایی بنیانگذار امپراتوری، کوروش دوم (بزرگ) و جانشینانش، باید الگوی دولت مردان دنیای امروزی قرار گیرد تا در واقع وظیفه خود را اتحاد بشر در یک مقیاس جهانی بدانند.